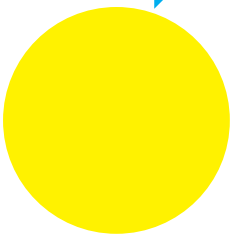




ایران



• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
مدیرعامل: علی متقیان
تلفن: ۸۸۷۶۱۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۱۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸
نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

امام صادق(ع):
سخن‌روز

سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش.

تحف‌العقول، ص ۳۲۰



واکنش وودی آلن به مرگ بازیگر محبوبش

وودی آلن در یادداشتی احساسی که پس از درگذشت دایان کیتون در ۷۹ سالگی نوشته و در نشریه «The Free Press» منتشر شده، خاطرات صمیمی خود از همکاری هنری ماندگارشان را بازگو کرده‌است. آلن در این متن نوشته: «برخلاف هرانسانی چهره و خنده‌اش هر مکانی را که وارد می‌شد، روشن می‌کرد. چند روز پیش، دنیا جایی بود که دایان کیتون در آن زندگی می‌کرد. حالا دنیایی است بدون او. پس جهان، تیره‌تر شده‌است. با این حال، فیلم‌هایش هنوز هستند... و آن خنده بلند و شادش هنوز در ذهن من طنین‌انداز می‌شود.» **ایرنا**



ساخت «خاکستر خیال» محمدرضا اصلائی بعد از ۱۸ سال

با صدور پروانه ساخت، فیلم سینمایی «خاکستر خیال» به تهیه‌کنندگی مهدی صادقی و کارگردانی محمدرضا اصلائی سازنده اثر ماندگار «شترنج باد» به‌زودی مقابل دوربین می‌رود. آخرین ساخته محمدرضا اصلائی در مقام کارگردان، فیلم تحسین‌شده «آتش سبز» است که ۱۸ سال پیش ساخته و اکران شد. این فیلم اخیراً در کشور فرانسه نیز اکران شده‌که منتقدان مجله جریان‌ساز «کایه دو سینما» از آن به‌عنوان شاهکاری سینمایی یاد کردند. **اخبارآنلاین**



نسخه ترمیم‌شده فیلم بیضایی در جشنواره فیلم لندن

فیلم کوتاه «سفر» به کارگردانی بهرام بیضایی پس از مرمت و بازسازی، در شصت‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم لندن به نمایش درمی‌آید. این نمایش، اولین حضور بین‌المللی نسخه ترمیم‌شده فیلم پس از بیش از پنج دهه است. این فیلم نیز در روزهای ۱۷ و ۲۱ مهر ۱۴۰۴ (۹ و ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵) در شهر لندن به نمایش درمی‌آید. فیلم ۳۳ دقیقه‌ای «سفر» به‌صورت سیاه و سفید و با بازی دو نوجوان به نام‌های سیروس حسن‌پور و عباس دسترنج در سال ۱۳۵۱ ساخته شده‌است. **ااینا**



عاشق باشید تا یک اثر عاشقانه خلق کنید

دوست دارم تا ۱۲۰سالگی عمرکنم و حالم خوب باشد، زمین گیر نشوم و بتوانم همچنان فعالیت کنم و دست به خلق موسیقی بزنم، نه اینکه صرفاً در خیابان‌ها و پارک‌ها راه بروم. من به جوان‌هایی گویم عاشقش باشید. اگر فکر کنید این کار برای شما سود مالی خواهد داشت، ادامه دادنش فایده ندارد. من همه این کارها را فقط از روی عشق انجام دادم. بعضی آثارم ۴۰ سال طول کشید تا کامل شود. جوان‌ها امروز زندگی سختی دارند، باید پول در بیاورند. آنها نمی‌توانند همانند ما سال‌ها پای خلق یک اثر بنشینند. الان دوره موسیقی پاپ است و هنر واقعی، مخاطب ندارد، حمایت هم نمی‌شود. هنر واقعی زمان می‌خواهد و سال‌ها زمان نیاز دارد تا شکل بگیرد. اگر جوان‌ها بتوانند اسپانسر پیدا کنند و دنبال کارهای جدی بروند، برای مملکت ثروت بزرگی می‌سازند؛ چون هنر، ثروت واقعی یک ملت است.

گزیده‌ای از صحبت‌های لوریس چکناواریان با ایسنا به بهانه زادروزش



نقل قول

نگاره

کتاب، رسانه برتر است



طراح: آنتونی استنکوف

یادبود



مهدی‌فریاربنور
کارگردان مستند آهن‌ریا؛ درباره زندگی و آثار رضا یحیایی

یحیایی رفت و خیام را جا گذاشت



با رفتن رضا یحیایی، دستانی خاموش شدند که در سکوت سنگ، جان شاعرانگی می‌دمیدند. او تنها پیکر تراش نبود؛ پلی بود میان گذشته و اکنون، میان خیال و ماده، میان خیام رباعی و خیام سنگی. وقتی چکش بر پیکره خیام فرود می‌آمد، گویی ضرباهنگ تفکر و تردید، فلسفه و رندی، در صدای سنگ می‌پیچید. یحیایی، خیام را نه صرفاً در قامت شاعر، که در هیأت اندیشه بازآفرید؛ در چهره‌ای که از زمان فراتر می‌رفت و از ما پرسشی جاودانه می‌خواست. او با سنگ کار می‌کرد، اما از جان انسان می‌گفت. با قلم‌مو نقش می‌زد، اما رنگ هایش طنین زندگی بودند. سینما را می‌فهمید، نه به عنوان تصویر، که به عنوان تجربه زیستن. هنرش، تلاشی بود برای گفت‌وگویی پیوسته با تاریخ، با زیبایی، با درد، با ما. برای ساخت مستند آهن‌ریا تقریباً هر از چند روز با او گفت‌وگو داشتم از قضا دیروز در ساعت پایانی عمرش گفت‌وگویی باهم داشتیم، در میانه صحبت گفت: «امادئوس را ببین، می‌خواهم درباره‌اش حرف بزنیم.»

و من هنوز آن فیلم را ندیده بودم. اما حالا، ناچارم درباره حرف بزنم، درباره مردی که زندگی‌اش، خود یک سمفونی بود. او با نبوغ و رنج، با شور و سکوت، جهانی را درون خود ساخت و بخشید. نه برای شهرت، نه برای ستایش، بلکه برای آنکه حقیقت، در فرم و در رنگ، در صدا و در سنگ، زنده بماند.

اکنون که او رفته‌است، پیکره‌ها، نقاشی‌ها و نگاهش، از جاودانگی سخن می‌گویند. در میدان آرام خیام، آن چهره سنگی بیش از همیشه زنده است.

گویی خیام با نگاهی از درون اما روشن، می‌پرسد: «کوان که مرا دوباره در جان سنگ بیدار می‌کرد؟» رضا یحیایی رفت و آخرین اثرش، خیام تنها ماند.

رضا یحیایی، هنرمند مشهور و بین‌المللی اهل مازندران که طی بیش از پنج دهه اخیر آثار متعددی از او در کشورهای مختلف به نمایش درآمده‌است، امروز در سن ۷۷ سالگی درگذشت. یحیایی از چهره‌های مطرح هنرهای تجسمی ایران و دانش‌آموخته رشته نقاشی، معماری داخلی، سرمایه‌کاز آکادمی هنرهای زیبای فلورانس، مجسمه‌سازی و سنگ‌تراشی از آکادمی گرازا ایتالیا و دوره دکتری هنر سربین پاریس است که تدریس در آکادمی هنرهای زیبای فلورانس، معاونت دانشگاه جندی‌شاپور و معاونت برنامه‌ریزی و مرمت موزه ایران باستان تهران را در کارنامه هنری خود داشت. از جمله آثار او می‌توان به مجسمه گنبد آسمان در برج میلاد به عنوان اثری شاخص در معرفی تاریخ ۹ هزار ساله فرهنگ ایران و مجسمه دشت شقایق در باغ موزه هانریش فرانسه اشاره کرد. از اثر گنبد آسمان او که ۶۲۰ متر مربع مساحت و ۱۹ تن وزن دارد به عنوان تنها پیکره داستان گو یاد می‌شود.

زبات زندگی

به بهانه چهل و هشتمین سالروز تأسیس موزه هنرهای معاصر

اینجا عرصه گفت‌وگوست نه تماشا

یادداشت

رضادبیری‌نژاد

رئیس موزه هنرهای معاصر

امروز موزه هنرهای معاصر تهران به نیم قرن حضور خود نزدیک شده‌است. موزه‌ای که به اعتبار گنجینه خود اعتبار چشمگیر جهانی دارد و همواره مورد توجه هنرمندان و دوستداران هنر بوده است. اما همانگونه که موزه‌ها در این نیم قرن تحولات متعددی را پشت سر گذاشته‌اند و تعریف‌شان دگرگون شده و حتی بر مسئولیت و مأموریت آنها افزوده شده‌است، موزه هنرهای معاصر نیز باید خود را با این تغییر مفاهیم تطبیق دهد و به‌روز کند. این تطبیق برای موزه هنرهای معاصر مهم‌تر است، چرا که این موزه عنوان معاصر را بر پیشانی خود دارد و باید تبلور مفهوم معاصر موزه باشد. موزه در معنای نوین خود که نهاد اجتماعی محسوب می‌شود و مسئولیت اجتماعی دارد و رفتار آن معطوف به همین مسئولیت‌های اجتماعی است. موزه هنرهای معاصر تهران باید خود را در وضعیت اجتماعی بازتعریف کند، چنانکه این موزه از بدو پیدایش خود تا دوران پس از انقلاب اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی و روزگار بعد از آن رفتار متغاری داشته‌است. اینک نیز باید به تناسب شرایط زمانه و با شناخت ویژگی‌های فرهنگی، زمانه معاصر خود

را تعریف کند. در این وضعیت باید هم شرایط فرهنگی، هم وضعیت هنرو تغییرات شبکه‌های هنری را در نظر گرفت و هم نقش موزه را در این شبکه بازتعریف و برای آن برنامه‌ریزی کرد. در نظر داشته باشیم که هر نهاد اجتماعی یک موجود زنده است و هر موجود زنده‌ای ثابت و یکسان نمی‌ماند و در واقع تکاملی و روزگار بعد از آن رفتار متغاری داشته‌است. اینک نیز باید به تناسب شرایط زمانه و با شناخت ویژگی‌های فرهنگی، زمانه معاصر خود

باشد. هر نهاد فرهنگی تمایز خود را دارد و بر اساس این تمایز، مسئولیت و مأموریت آن تعریف می‌شود. موزه هنرهای معاصر اگر چه می‌تواند شباهت‌هایی به نهاد‌های فرهنگی دیگر همچون گالری‌ها و فرهنگسراها داشته باشد اما از آنها متفاوت است، درحقیقت این تفاوت‌ها به ویژگی‌های موزه‌ای و گنجینه آن باز می‌گردد. از این رو موزه هنرهای معاصر تهران در یک شبکه منحصبتی با نهاد‌های

فرهنگی-هنری در عین ارتباط با آنها در مرزهای اختصاصی قرار می‌گیرد. امروزه نهاد‌های فرهنگی و هنری رشد بسیاری داشته‌اند و دیگر دسترسی به این فضاها محدود نیست و همین رشد کمی شبکه‌ای جدید را شکل داده‌است و موزه نیز باید در همین نسبت کاربوره امروز خود را تعریف کند. امروزه موزه هنرهای معاصر تهران، اجتماعی بودن با فهم ویژگی‌های اجتماعی بودن خود را نشان می‌دهد و اجتماعی بودن با فهم ویژگی‌های جامعه و چالش‌های



آن و نسبت مجموعه‌های موجود موزه با وضعیت جامعه معنا پیدا می‌کند و اینکه بتوانند در زمینه موضوعی خود کنشگری کند و به جامعه تلنگر بزند و جامعه را به اندیشیدن و نقادی وادارد. وقتی از اجتماعی بودن صحبت می‌کنیم نمی‌توان خنثی بود و حاشیه‌نشینی کرد بلکه باید آمادگی واکنش‌ها را داشت اما نباید در مقابل کنشگری‌ها قرار گرفت، بلکه باید اجازه داد که جامعه خود با موضوع گفت‌وگو کند. موزه‌های پویای امروز از طریق همین گفت‌وگومندی به پویایی می‌رسند و البته حفظ حریم موزه و رفتار موزه‌ای یک امر تخصصی است که جامعه نیز باید پذیرای این تخصص باشد و به موزه و متخصصان آن اعتماد کند تا پویایی را شکل دهند. موزه هنرهای معاصر را باید یک موزه ملی و مادر در حوزه هنر معاصر ایران دانست و امروزه بعد از چهل و هشت سال با چنین جایگاهی با آن مواجه شد و این جایگاه را بسرای آن در عرصه‌های مختلف تعریف کرد.

موزه‌ای که باید در مرکز شبکه‌ای از روابط موزه‌های هنری باشد و به نقش‌های آموزشی و فرهنگی را در خود تقویت کند. موزه هنرهای معاصر تهران امروز از طریق موزه هنر معاصر ایران در حوزه هنر معاصر ایران نقش‌های آموزشی و فرهنگی را در خود تقویت کند. موزه هنرهای معاصر تهران امروز در سالگرد گشایش خود طی دوره‌های متعدد در برابر پرسش‌های تازه‌ای قرار دارد که باید به این پرسش‌ها ببیند و پاسخ دهد تا بدون امروز خود را تعریف کند و البته این پاسخ نیازمند مشارکت همگانی و البته این پاسخ نیازمند و ذی‌نفعان است تا در یک اجماع ملی بتوان برای یک نهاد و سرمایه ملی تصمیم گرفت. موزه هنرهای معاصر تهران یک فرصت و یک سرمایه است که باید همه در برابر آن احساس مسئولیت کنیم.

امروز موزه

هنرهای

معاصر تهران

به نیم قرن

حضور خود

نزدیک شده

است. موزه‌ای

که به اعتبار

خود اعتبار

چشمگیر

جهانی دارد.

این یک

فرصت و

یک سرمایه

است که باید

همه در برابر

آن احساس

مسئولیت

کنیم